



شخصیت پیامبر(ص) به عنوان اسوه

هر حادثه‌ای در زندگی پیغمبر آن وقتی معنای حقیقی خودش را پیدا می‌کند که در مجموعه‌ی این تاریخ بیست‌وسه‌ساله و دوران حیات پیغمبر، مورد ملاحظه قرار بگیرد و معنای آن حادثه در جهاد مستمر رسول خدا درج بشود؛ و آلا بسیاری از این حوادثی که شما شنیده‌اید از زندگی پیغمبر، به طور مجزّد و تنها، آن معنای حقیقی خودش را نمی‌دهد. برای همین هم هست که در ذهن مسلمانان و مخصوص در جامعه‌ی خود ما سیمای رسول خدا به عنوان یک سیاستمدار، به عنوان یک حاکم، به عنوان یک انقلابی، به عنوان یک مبارز و قهرمان میدان جنگ، به عنوان یک پدر مهربان و دلسوز، یک انسان حکیم و آینده‌نگر شناخته نشده. درست است که در ذهن مردم ما اعتقاد به همه‌ی این خصوصیات و بالاتر از این خصوصیات نسبت به پیغمبر هست، اما معتقد بودن به اینکه پیغمبر فوق‌العاده است و با وحی الهی سر و کار دارد و معجزه میکند یک حرف است، و ترسیم شخصیت والای انسانی پیغمبر که میتواند برای ما اسوه باشد و درس باشد و از آن استفاده کنیم، یک مطلب دیگر است؛ این دومی در جامعه‌ی ما انجام نشده و جا نیفتاده. لذا ما احتیاج داریم که تاریخ زندگی پیغمبر را، دقیق‌تر بدانیم و بفهمیم.

اتحاد متفرقات

بررسی لزوم و چگونگی وحدت میان امت اسلامی

هر ساله سالروز ولادت نبی مکرم اسلام (ص) بیهانه خوبی برای فکر در زمینه وحدت در جامعه اسلامی است. تفکر درباره حرکتی که از زمان ائمه اطهار (ع) شروع شده و تا این دوران هم علما و فقها، پرچمدار این جریان هستند. نظرات متفاوتی درباره لزوم وحدت بین شیعیان و اهل سنت در جامعه شیعی وجود دارد. در این مقاله قصد بر این است که عقاید جریان‌های مختلف در جامعه شیعی در زمینه وحدت جامعه اسلامی بررسی شود، دید قرآن و ائمه اطهار (ع) به طور کلی مورد بررسی قرار گیرد و درباره ضرورت‌ها، آفت‌ها و راهکارهای این موضوع مطالبی ارائه گردد.

عرفان یوسفیان - ۱۴۰۰ برق

تلقی‌های وحدت در جامعه شیعی

به طور کلی در جامعه ما سه تفکر درباره ایجاد وحدت در جوامع مسلمان وجود دارد که طیف‌بندی آن‌ها به شرح زیر است:

گروه اول افرادی بوده که در تقریب جوامع دچار افراط شده و معتقداند شیعیان و اهل سنت باید از برخی عقاید دینی خود که مورد اختلاف فرق اسلامی است عقب‌نشینی کنند تا مسلمانان گرفتار اختلاف‌های جدی نشوند. این گروه معتقدند که امامت جایگاهی در اصول شیعه ندارد و تعیین کننده نیست، بلکه تنها بحثی اجتهادی بوده و مسلم در اسلام نمی‌باشد.

گروه دوم افرادی هستند که دچار تفریط در تقریب می‌باشند و به طور کلی منکر وحدت بین مسلمانان هستند. نمونه بارز این تفکر، سلفی‌گری‌ها در شیعه و اهل سنت بوده که به طور کلی معتقداند ما چون دارای دین و مذهبی بر حق هستیم پس سازش و وحدت معنایی ندارد. مگر حق با باطل جمع‌شدنی است؟

گروه سوم هم معتقداند که اتحاد مسلمین مطلوبیت دارد، به جهت پیاده کردن احکام شریعت در سراسر ملل اسلامی اما این دلیل بر کوتاه آمدن از خطوط قرمز شیعه نیست. ما آن‌ها را باطل می‌دانیم و آن‌ها نیز ما را؛ اما صلاح مسلمین حکم می‌کند که ما کنار هم کار کنیم و اختلافات ما موجب فرصت‌طلبی دشمنان مان نشود.

اما سوالی در اینجا ذهن ما را درگیر می‌کند. آیا تفکر سوم موجب نادیده گرفتن واجبی به نام تبری نمی‌شود؟

جواب بدین شرح است که تبری عقیده و از واجباتی است که لاتغییر بوده و اصلاً کوتاهی در این موضوع نباید بشود. اما این تبری که عقیده‌ای در اسلام است، عملی را

نیز می‌طلبد؛ همانگونه که عقیده بر توحید، بر احکام چون نماز و روزه حکم می‌کند. اختلاف گروه دوم و سوم در همین مسئله است. نحوه عمل به عقاید دینی وارد حوزه فقه در علوم دینی می‌شود که در این زمینه ممکن است ملاحظاتی گریبان‌گیر مسائل

دشمنان اهل سنت صادر کردند تا مبدا اختلاف‌ها موجب فرصت‌طلبی خارجی‌ها شود. به طور کلی در مسئله وحدت بر مشترکات مذاهب اسلامی تکیه می‌شود تا این دو حزب مسلمان بتوانند در يك جبهه علیه گرگ‌هایی که برای دریدن جامعه اسلامی دندان تیز کرده‌اند، متحد شده، و فتنه‌ها را خنثی کنند. در مواردی تاریخی به تکرار دیده شده که دشمنان برای غلبه بر مسلمانان ابتدا با تاکید بر اختلافات، جنگ برادرکشی به پا کرده‌اند که عاقبتی جز سلطه بیگانگان و فرسایش توان امت اسلامی نداشته است. بعضاً دو طرف برای غلبه بر برادران مسلمان خود از اجانب یاری گرفته‌اند که مایه نفوذ آن‌ها در بلاد اسلامی شده است.

سیره اهل بیت (ع)

قولی معتبر از حضرت آیت الله بهجت وجود دارد که فرموده‌اند: ائمه اطهار (ع) در نمازهای جماعت اهل سنت شرکت می‌کردند؛ به جهت اتحاد مسلمانان. پس می‌شود نتیجه گرفت که رویکرد پیشوایان ما نفوذ در قلوب اهل سنت بوده تا باب هدایت برای آن‌ها باز شود.

درسی از تاریخ

بزرگترین عبرت امروز برای مردم ما این است که راه حکومت صفوی را در مواجهه با اهل سنت نروند که سلفی‌گری‌های سران این حکومت موجب شد که تا دهه‌ها راه هدایت از اهل سنت سلب شود و علاقه عاطفی این دسته از مسلمانان به ائمه اطهار (ع) کم‌رنگ گردد و بلاد اسلامی سال‌ها درگیر جنگ‌های فرسایشی با یکدیگر بشوند و راه را برای اجانب غربی به سوی سرزمین‌های اسلامی باز کنند. شاید یکی از دلایل متوقف شدن پیشرفت تمدن اسلامی در آن برهه همین اقدامات افراط‌گرایانه آن‌ها بوده است.

چه کنیم؟

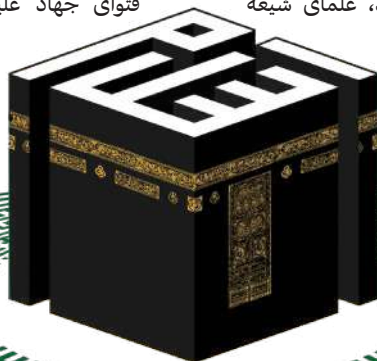
بهترین رویکرد امروز ما نسبت به اهل سنت سیره ائمه اطهار (ع) است. در این وحدت، مذاهب درگیر نمی‌شوند و تغییر نمی‌کنند و ذره ای از واجبات و مستحبات کاسته نمی‌شود بلکه این اهالی مذاهب هستند که باید با هم هم‌زیستی مسالمت آمیزی داشته باشند و ما باید سعی کنیم که از طریق برقراری پیوند عاطفی این اهلی با جاذبه‌های ائمه اطهار (ع) و تکیه بر مشترکات مان سعی در تغییر مثبت آن‌ها داشته باشیم.

و در آخر هم خوب است نعمت منظور در آیه ۱۰۳ سوره مبارکه آل عمران را به خودمان یادآوری کنیم.

«وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ فُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ»

چرا وحدت؟

برای توضیح این موضوع استناد می‌کنم به اتفاقی تاریخی. در دوره‌ای که حکومت عثمانی درگیر جنگ با اروپا بود و مرزهای جهان اسلام در خطر بود، علمای شیعه فتوای جهاد علیه



نشریه تخصصی مذهبی
هیات الزهراء سلام الله علیها
دانشگاه علمی-پژوهشی
ربیع الاول ۱۴۴۳، آبان ۱۴۰۰



ریشه‌ای در سنگ...

بررسی شبکه‌سازی اجتماعی امام صادق (ع) برای تشبیت اسلام ناب

مبارزه در سنگر علم

در چنین شرایطی نیز حضرت ادامه راه و روش پدران خود یعنی حضرت باقر (ع) و حضرت سجاد (ع) را پیش گرفتند و در عین تقیه، به تبلیغ دین در لایه‌های مختلف پرداختند. حضرت خود، قادر به تشکیل کلاس درس و بحث نبودند، فلذا شاگردان ایشان وظیفه تشکیل کلاس‌های درس را برعهده داشتند و مفاهیم اسلام اصیل را از حضرت گرفته و به مردم ارائه می‌دادند. شاگردانی که منتسب به حضرت بودند، با تدریس کم‌نظیر خود، مقام شامخ علمی ایشان را به رخ عالمان و جوامع کشاندند و ابهت علمی حضرت در انظار پدیدار شد. عالمان مختلف با شنیدن آوازه علم شاگردان حضرت صادق (ع) شوق مباحثه علمی با خود حضرت را پیدا می‌کردند و در مواجهه با ایشان متحیر می‌شدند. سولاتی که بدون هیچ درنگ و تناقضی جواب می‌یافتند و در مقایسه با جواب سایر مدعیان، سائل را مجاب به تعظیم می‌کردند.

بسیاری از افرادی که به شاگردی حضرت منتسب و معروف هستند، برخوردی در حد همراهی در مسافرت و موسم حج و سوال و جواب‌هایی در

تقابل‌هایی در قالب تقیه ولی پر از مفاهیم انقلابی و طعنه‌های تکان‌دهنده که هم بهانه‌های خلفا برای اقدام علیه حضرت رفع می‌کرد هم تذکره‌هایی در پی داشت تا مرز حق و باطل در هم آمیخته نشود و راه حق را از غیر حق تمییز کنند.

این شرایط توفیق چنین عنوانی را کسب کرده‌اند. با افرادی که آوازه حضرت را از مناطق مختلف اراضی اسلامی شنیده بودند و برای رفع سولات خود راه‌های طولانی و صعب را پشت سر می‌گذاشتند تا محضر امام صادق (ع) را درک کنند و جواب سولات خود را بگیرند. این سوال و جواب‌ها تبدیل به بستر انتقال معارف حقه اسلام اصیل محمدی شده بودند. غلامانی که حضرت استخدام و پس از مدتی آزاد می‌کردند، تبدیل به منابر سیار و عینی می‌شدند که برای سالیانی محضر و رفتار حضرت را درک کرده بودند و چیزی جز منقبت ایشان درباره حضرت

گاهی در تحلیل وقایع تاریخی و بررسی عملکردها، تحلیل‌گران و خوانندگان تاریخ، رفتارها را با وقایع گره می‌زنند. این بررسی مقطعی می‌تواند باعث به حاشیه راندن رفتار باشد. مخصوصاً وقتی وقایع هم درست درک نشوند.

شرایط واقعی

می‌توان گفت بررسی رفتار سیاسی-اجتماعی امام صادق (ع) دچار چنین سوء برداشتی شده است. حرکت سیاسی حضرت صادق (ع) را معمولاً با وقایع تغییر حکومت و ضعف بنی‌امیه و جنگ‌های اولیه دوران بنی‌عباس گره می‌زنیم و چنین تصور می‌کنیم که کار حضرت در چنین شرایطی آسان بوده و ایشان آزادانه می‌توانستند تبلیغ و تدریس کنند. البته پوشیده نیست که برای مقطعی فشار نظارت حکومت و رفتار جبارانه حاکمان کاسته شده بود و حضرت می‌توانستند برای مقطعی در مراسم حج اقدام به سخنرانی و تبلیغ نمایند. اما این یک بعد قضیه است

و بعد دیگر بعد فشار و هجمه اجتماعی موجود است. در جامعه‌ای که سالیان سال است مبلغین اموی در تمام مساجد و منابر دست به تحریف دین زده بودند و هیچ دریغی از هجمه علیه اهل بیت نبوت نمی‌کردند، بیان معارف

اصیل دین و دفاع از حقوق اهل بیت کار ساده‌ای نیست. در جامعه‌ای که بنی‌عباس با تحریفی بزرگ به قدرت حکومت رسیده‌اند و دین و ارث پیامبر (ص) را به تاراج برده‌اند، سخن از امامت و جایگاه حقه‌ی اهل بیت آن‌چنان که تصور می‌شود، ساده نیست. در شرایطی که امام‌زادگان علوی هر کدام داعیه‌ای دارند و جایگاهی برای خود قائل شده‌اند و توجه شیعیان را به خود جلب می‌کنند و نسبت به سلسله امامت حسادت می‌ورزند، تبیین و تمییز حق از باطل برای خودی‌ها نیز صعب خواهد بود.

برای عرضه نداشتند.

طریق دیگری که به‌وسیله آن حضرت با شیعیان در ارتباط بودند یا با آن به تربیت نیروی انسانی شیعه می‌پرداختند، شبکه نایبان و نمایندگان حضرت در بلاد مختلف اسلامی یا افراد نفوذی در دولت و دستگاه‌های مختلف حکومتی بودند.

باز کردن جبهه‌های دیگر

این‌ها جزئی از مسیرهایی بودند که حضرت برای تربیت افراد به کار می‌بردند. غیر از این‌ها حمایت‌های حضرت از قیام‌های مختلف شیعیان بصورت غیر مستقیم نیز جزئی از شیوه مبارزاتی ایشان بود. حمایت‌های فکری و مالی حضرت از این قیام‌ها جهت ضربه زدن به حاکمان غاصب و تجمیع نیروهای علوی دور هم، موجب نتایج زیادی می‌شد. شاید از مهمترین نتایج این قیام‌ها زنده نگه داشتن آرمان‌ها و یاد واقعه عاشورا و تقویت نیروها در جمع‌های ایمانی خود بود.

اقدامات مستقیم امام صادق (ع) در تقابل با خلفا و حاکمان نیز در بین محبان و سایر افراد جامعه جریان‌ساز بود. تقابل‌هایی در قالب تقیه ولی پر از مفاهیم انقلابی و طعنه‌های تکان‌دهنده که هم بهانه‌های خلفا را برای اقدام علیه حضرت رفع می‌کرد هم تذکره‌هایی در پی داشت تا مرز حق و باطل در هم آمیخته نشود و راه حق را از غیر حق تمییز کند.

طراحی عمیق

ایشان حتی برای بعد از شهادت‌شان هم مسیر را هموار کرده بودند. وصیت کرده بودند تا به مدت هفت سال در موسم حج برای حضرت مراسم بگیرند و گریه کنند. با این کار هم علت مرگ حضرت برملا می‌شد و هم دولت ظالم بی‌آبرو می‌شد. عزاداری سیاسی که وجه مبارزاتی نداشت. از طرفی نیز ایشان به جای اینکه امام بعدی خود را وصی خود معرفی کند، پنج نفر را وصی معرفی کردند تا دولت عباسی نتواند امام بعدی را شناسایی کند و به شهادت برساند. پنج نفری که حضرت نام برده بودند، دو نفرشان از فرزندان، دو نفر از بزرگان و خلیفه عباسی بودند. خلیفه دستور به کشف وصی حضرت داده بودند تا به قتل برسانند ولی وقتی نام خود را بین وصایا یافت و با اسامی مختلفی مواجه شد، اقدامی نتوانست انجام دهد.



در جست و جوی خدا

زندگی نامه و بازخوانی نظریات مهم علامه حسن زاده آملی (ره)

نظر امام (ره) مبنی بر لزوم آگاه‌سازی مردم توسط روحانیت، نقش اساسی در آگاهی بخشی مردم را ایفا کرد. همچنین پس از پیروزی انقلاب اسلامی و همزمان با دفاع مقدس، در جبهه‌های جنگ حاضر شدند و در کنار رزمندگان اسلام بودند. در سال ۶۰ و در شکست اتحاد کمونیست‌ها و اقدام مسلحانه این گروهک علیه جمهوری اسلامی، نقش اساسی را ایفا کرد تا این غائله به سرانجام نرسد. پس از آن نیز، همواره بار و یاور رهبر فرزانه انقلاب بود.

این عالم فرزانه در زمینه‌های مختلفی من جمله عرفان، فلسفه، کلام، تفسیر، روایت، رجال، فقه، ریاضیات و شعر به تالیف بیش از صد اثر و کتاب پرداخت که نشان از تسلط بالا و نیز توانمندی ایشان در تمامی این امور دارد. فرزند علامه حسن زاده در خاطره‌ای از پدر گفتند که علامه طباطبایی شب‌های پنجشنبه جلساتی داشتند که به صورت دوره‌ای در منزل یکی از علما برگزار می‌شد و جلسه درس خصوصی آن‌ها بود؛ در یکی از این شب‌ها ایشان به اساتید حاضر در جلسه که همگی از بزرگان حوزه بودند می‌فرمایند که بروید هیئت و ریاضیات را نزد آقای حسن زاده بخوانید و البته از آن جمع فقط یک نفر بعد از جلسه اظهار کرد به من درس بدهید که ایشان نیز آیت الله جوادی آملی (حفظه الله) بوده است.

علامه حسن زاده، پس از عمری تلاش با برکت در سن ۹۲ سالگی دعوت حق را لبیک گفت و در روستا ایرای لاریجان و در منزل شخصی خود به خاک سپرده شد. کتاب «نجم الدین، نیم نگاهی به زندگی حضرت آیت الله حسن زاده آملی» در باب زندگی ایشان نگاه شده است. قطعاً جهان هستی باید مدت‌ها چشم انتظار باشد تا دوباره چنین عالم بزرگ و ادیبی دانشمند را به خود ببیند. نامش گرامی و راهش پر رهرو باد.

سید علی موسوی - ۹۷ برق

شیء مادی دیگری نیست؛ بلکه خدا، به صفت قهر و قدرت خود، و مخلوق، به صفت نقص خود، از یکدیگر جدا هستند. در اینجا توحید صمدی را در مقابل «وحدت عددی» قرار می‌دهند و طبق این نظر علامه، اعتقاد به وحدت عددی منجر به محدود دانستن خدا می‌شود. به بیانی دیگر برهان و علتی که برای اثبات وحدت حقه (غیر عددی) خداوند متعال بیان می‌شود این است که کثرت و تعدد نشان دهنده محدودیت است. می‌دانیم که هر نوع محدودیتی مساوی با معلولیت آن چیز است؛ بنابراین واجب الوجود (ذات اقدس اله) مطلق و بی‌نهایت است زیرا حقیقت وجود ذاتاً محدودیت ندارد و نقصی در آن راه ندارد. پس هر قید و محدودیتی که در وجود خداوند متعال راه پیدا کند از خارج حقیقت وجودی خداست. حال ما معتقدیم که خداوند همه چیز است پس هر چیزی خارج از ذات وجود او، عدم و نیستی است پس چیزی در ذات وجودی خداوند متعال راه ندارد.

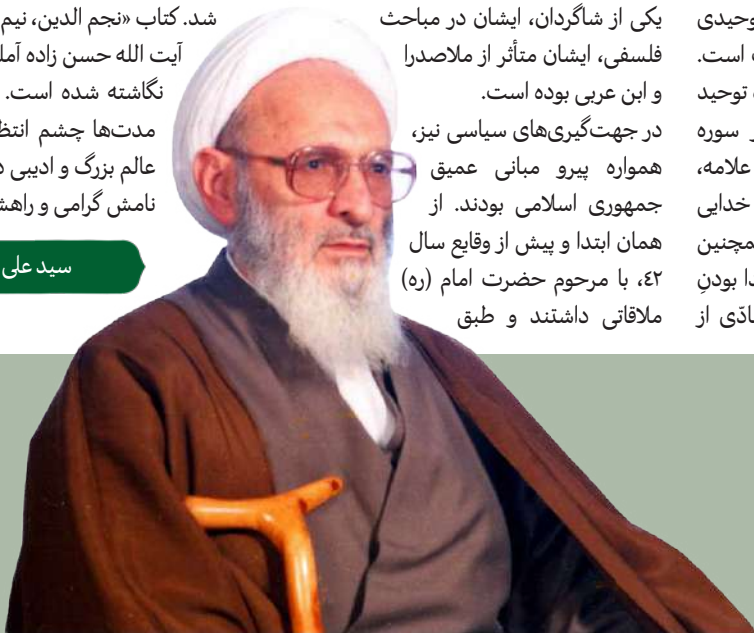
یکی دیگر از نظرات ایشان پیرامون یکپارچگی دین، فلسفه و عرفان است. ایشان حقیقت دین و عرفان را معرفت به خدا می‌دانست و سرچشمه این عرفان را وحی، پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) برمی‌شمرد. همچنین ایشان قرآن را اصل دانسته و کتبی مثل نهج البلاغه و صفیحه را، به عنوان زیر مجموعه و نشأت گرفته از کتاب وحی الهی قرار می‌داد. در این باب، از نظر علامه حسن زاده فلسفه‌ای که با دین مخالفت کند، مورد قبول نیست. شایان ذکر است به نقل از یکی از شاگردان، ایشان در مباحث فلسفی، ایشان متأثر از ملاصدرا و ابن عربی بوده است.

در جهت‌گیری‌های سیاسی نیز، همواره پیرو مبانی عمیق جمهوری اسلامی بودند. از همان ابتدا و پیش از وقایع سال ۴۲، با مرحوم حضرت امام (ره) ملاقاتی داشتند و طبق

**مزدهای دل که شب هجر به پایان آمد
بیک روح القدس از جانب جانان آمد
زان دل آزا که در این باغ وجودت آراست
جنت ذات طلب کردی و خواهان آمد**

عالم ربانی، سالک توحیدی، دانشمند، ذوالفنون، فیلسوف، فقیه، عارف، محدث، منجم، ادیبات شناس، شاعر، ریاضیدان، طبیب و در یک کلام «علامه» شیخ حسن حسن زاده طبری آملی، بزرگ مرجعی که در ۲۱ بهمن ماه سال ۱۳۰۷ خورشیدی دیده به جهان گشود. این عالم فرزانه، که حقیقتاً از نوانغ روزگار ما بود، زندگی مجاهدانه‌ای را سپری کرد که می‌توان از آن به عنوان آینه تمام نمای تلاش و کوشش در رسیدن به علوم مختلف یاد کرد. در سن ۲۲ سالگی که پس از طی مراحل مقدماتی به تهران هجرت کرد، پای درس فلسفه و عرفان استاد الهی قمشاهای نشست و نیز به فراگیری ریاضی و طب و نجوم نزد علامه شعرانی پرداخت. ایشان در سن ۳۵ سالگی اجازه اجتهاد خود را نیز دریافت نمود. سپس در سال ۴۲ برای شاگردی به نزد علامه طباطبایی در قم رفت و به مدت ۱۷ سال از محضر ایشان استفاده کرد و یکی از شاگردان بزرگ علامه طباطبایی نام گرفت؛ در نزد ایشان ادبیات، شعر، تفسیر و علوم دیگر را آموخت تا حقیقتاً به علامه‌ای بزرگ تبدیل شود.

نظرات علمی ایشان بسیار مشهور و اغلب محل بحث علمای کنونی است چونان که یکی از مهمترین مباحث پیرامون نظریات این عالم بزرگ، بحث‌های جهان‌بینی توحیدی ایشان است. نگاه توحیدی ایشان اصطلاحاً به «توحید صمدی» معروف است. تعبیر توحید صمدی از واژه «صمد» در سوره توحید برگرفته شده. ایشان معتقد بود صمد در سوره توحید به معنای «پُر» است؛ طبق نظریات علامه، پُر فقط می‌تواند یکی باشد و نه بیشتر؛ زیرا خدایی که ترکیب در او راه ندارد فقط یکی‌ست. همچنین بر اساس برخی روایات بر این باور بود که جدا بودن مخلوقات از خدا مانند جدا بودن شیئی مادی از



صاحب امتیاز: هیات الزهرا (س) دانشگاه صنعتی شریف

مدیر مسئول: مهدی فخرآبادی

سردبیر: محمد مهدی جلیل‌وند

جلد و صفحه آرایی: محمد علی بلندزاده

همکاران این شماره: محمدحسین قیصریه - مهدی فیضی - علیرضا مصطفایی - عرفان یوسفی - سید علی موسوی تبار

این نشریه حاوی اسامی متبرکه است؛ در حفظ و نگهداری آن کوشا باشید.



@AzzahraaMaktubat